

وضعیت راهیابی فارغ التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاههای دولتی به بازار کار (ورودی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۴)

محمد حسین پور کاظمی*

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

رشته‌های علوم انسانی در دانشگاههای دولتی در سراسر کشور گسترده است. از بالغ بر ۵۰۰/۰۰۰ شرکت‌کننده در گروه علوم انسانی فقط ۱۲/۰۰۰ نفر؛ یعنی ۲/۴ درصد در دوره‌های روزانه رشته‌های مختلف علوم انسانی؛ یعنی کمتر از گروههای ریاضی و تجربی پذیرفته می‌شوند. این عده که از بهترین دانش‌آموزان گروه علوم انسانی هستند، پس از ورود به دانشگاه و چهار سال تحصیل، برخی به تحصیلات تکمیلی راه می‌یابند و عده‌ای پس از گذراندن دوره نظام وظیفه، برخی زودتر و بعضی دیرتر، وارد بازار کار می‌شوند. حال این سؤالها مطرح است که وضعیت اشتغال این افراد چگونه است؟ آنها چه مدتی باید در پی پیدا کردن کار باشند؟ آیا شاغلان به کار خود علاقه‌مندند؟ رابطه کار شاغلان با رشته تحصیل و آنچه در دانشگاه آموخته‌اند چگونه است؟ وضعیت آن دسته که موفق به ادامه تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی می‌شوند، چگونه است؟ با اجرای یک طرح پژوهشی با انتخاب نمونه‌ای مناسب از پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری گروه علوم انسانی با همکاری دانشگاهها و پیگیری دانشجویان آنها طی ده سال به پاسخ سؤالهای یادشده دست یافته‌ایم. با استفاده از روشهای آماری روشن شده است که ۷۶ تا ۷۹ درصد فارغ التحصیلان علوم انسانی به کار مشغول شده‌اند و آنها حداکثر تا یک سال به دنبال کار بوده‌اند؛ این درصدها در رشته‌های مختلف متفاوت است. ۷۱ تا ۶۹ درصد شاغلان، کار خود را با رشته تحصیلی در ارتباط می‌دانند؛ بر اساس آزمون آماری، بین ۶۸ تا ۷۵ درصد از شاغلان از کار خود راضی هستند. این میزان مستقل از جنسیت است و وضعیت آن دسته که دوره کارشناسی‌ارشد را گذرانده‌اند، بهتر است. در پایان مشخص شد که وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی از نظر اشتغال، علاقه به کار، ارتباط کار و رشته خوب است. البته، این وضعیت در رشته‌های مختلف متفاوت است.

کلید واژگان: دانشگاههای دولتی، رشته‌های علوم انسانی، فارغ التحصیلان رشته‌های علوم انسانی، اشتغال، رضایت شغلی.

* مسئول مکاتبات: H_Pourkazemi@yahoo.com.au

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۵/۲۸

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۹

مقدمه

رسالت اساسی آموزش عالی عبارت از تسهیل رشد و تکامل انسان، توسعه و غنای دانش و فرهنگ کشور و پرورش نیروی انسانی مورد نیاز جامعه است. لذا، تربیت نیروهای متخصص منطبق بر نیازهای کشور اهمیت بسیاری دارد. توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور با توجه به تربیت نیروهای متخصص ممکن می‌شود. تعیین وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های مختلف از نظر کارایی، درآمد، اشتغال، جنسیت، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل با توجه به اهداف برنامه آموزشی‌ای که گذرانده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی این موضوع موسوم به مطالعه پیگیرانه است که کمتر در خصوص آن پژوهش صورت گرفته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شاغل بالای ۱۰ سال برابر ۲۰۴۷۶۳۴۳ نفر است که از این تعداد ۳۳۱۵۹۹۲ نفر؛ یعنی ۱۶/۱۹ درصد تحصیلات عالی دارند و ۶۱/۸۹ درصد آنها دارای مدرک کارشناسی و بالاترند. در همین سال آمار بیکاران ۲۹۹۲۲۹۵ نفر بوده است که از این تعداد حدود ۱۰/۱ درصد تحصیلات داشته‌اند (Institute for Research and Planning in Higher Education, 2007).

آمار منتشر شده از سوی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که در سال ۸۴-۱۳۸۳، ۴۴/۳۷ درصد در رشته‌های علوم انسانی به تحصیل مشغول شده‌اند. امروزه، آمار دانشجویان قریب به ۳،۴۰۰،۰۰۰ نفر است.

یافته‌های طرح «نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور» (Institute for Research and Planning in Higher Education, 2002) نشان می‌دهد که تقاضای کار نیروهای متخصص بر حسب گروه‌های آموزشی بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ بیانگر آن است که وضعیت گروه علوم انسانی نسبت به سایر گروهها در ارتباط با اشتغال نشان دهنده بیکاری بیشتر آنهاست.

از طرفی، گسترش رشته‌های گروه علوم انسانی در دانشگاههای پیام‌نور و دوره‌های شبانه بیشتر از سایر رشته‌هاست. حال این سؤال اساسی مطرح است که با توجه به ماهیت رشته‌های روزانه، که کل هزینه آن توسط دولت پرداخت می‌شود و دانشجویان بهتر وارد این دوره‌ها می‌شوند، وضعیت فارغ‌التحصیلان دوره‌های روزانه رشته‌های علوم انسانی سالهای گذشته

دانشگاههای دولتی از نظر اشتغال چگونه است و آیا آنها در رشته‌های تحصیلی خود یا نزدیک به آن به کار مشغول شده‌اند یا اینکه رشته تحصیلی آنان با کارشان مغایرت دارد. ارائه این اطلاعات برای هدایت داوطلبان ورود به رشته‌های علوم انسانی ضروری به نظر می‌رسد. برای شورای گسترش نیز این نتایج به منظور تصمیم‌گیری برای موافقت با ایجاد یک رشته دانشگاهی اساسی به نظر می‌رسد. همچنین، وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاههای غیرانتفاعی و پیام نور را نمی‌توان بهتر از نتایجی دانست که از فارغ‌التحصیلان دوره‌های روزانه دانشگاههای دولتی در این تحقیق به دست می‌آید.

می‌توان سؤالات اصلی را به صورت فرضیه‌های زیر مطرح کرد:

۱. فارغ‌التحصیلان برخی از رشته‌های علوم انسانی کمتر جذب بازار کار می‌شوند.
 ۲. بیشتر فارغ‌التحصیلان علوم انسانی در رشته‌های نامرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول کارند.
 ۳. رضایت دانش‌آموختگان شاغل از شغل خود در رشته‌های مختلف متفاوت است.
- سؤالات فرعی دیگری وجود دارد، از جمله اینکه آیا یافتن شغل مورد علاقه و رضایت فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی به دانشگاه محل تحصیل آنها بستگی دارد و... در این مقاله تلاش شده است تا به چگونگی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های روزانه گروه علوم انسانی دانشگاههای دولتی پاسخ داده شود.
- مبانی نظری:** انتخاب شغل یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که فرد در طول عمر خود ممکن است اتخاذ کند. شفیع آبادی (Shafy Abadi, 2000) در کتاب خود با عنوان «راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی (مفاهیم و کاربردها)»، اهداف کلی راهنمایی شغلی را موارد زیر برشمرده است:
۱. شناسایی افراد جامعه و ایجاد انگیزه در آنها و راهنمایی آنان برای آنکه مشاغلی را انتخاب کنند که با تواناییها و استعدادهای آنان هماهنگی دارد؛
 ۲. کمک به افراد جامعه برای انتخاب شغلی به منظور رفع نیازهای جامعه و رغبت‌های شناخته شده آنان؛

۳. معرفی و اعزام افراد به مراکز آموزش مشاغل به منظور کسب تخصص لازم در باره شغلی که فرد برای آن استعداد و رغبت دارد.

در این خصوص، در کشور آمریکا، بعد از جنگ جهانی دوم، تأکید زیادی بر هدایت و مشاوره شغلی دانشجویان شده است (Mirkamali, 1993). در دین اسلام کار اهمیت خاصی دارد و انسان به کسب درآمد از طریق فعالیت و کار تشویق شده است. دین اسلام کار را عنصر اساسی در طلب روزی می‌داند و هر عمل مشروع و کوشش مادی که مشروع باشد، کار محسوب می‌شود و کار جلوه حق تعالی است و در همه موجودات نهادینه شده است. در دین اسلام به نوع کار توجه زیادی شده است و کاری مطلوب است که مشروع باشد و به کسی ضرری وارد نسازد. از طرفی، دین اسلام بین استعدادها و تواناییها تفاوت قایل شده است و قرآن کریم می‌فرماید: و رفعنا بعضهم فوق بعض درجاتٍ لیتخذَ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمة ربکَ خیر مما یجمعون؛ یعنی خداوند با حکمت عالی خود مردم را از نظر استعداد کار متفاوت آفرید، به طوری که هر یک به کاری که حاصلش مورد نیاز دیگری است می‌پردازد و در مقابل دیگران کارهای مورد نیاز وی را انجام می‌دهد (Imam Khomeini, 2007).

بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی از چالشهای مهم مسئولان آموزش عالی کشور است. در پژوهشی دلیل اساسی بیکاری، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، عدم انطباق کیفی بین عرضه و تقاضا بیان شده است، به طوری که چه بسا در برخی از دوره‌های زمانی مازاد عرضه نیروی انسانی با میزان تقاضای نیروی انسانی همزمان باشد، ولی دانش‌آموختگان کیفیت لازم را نداشته باشند و این امر در سطوح بالای آموزش به میزان بیشتری جلوه‌گر است (Hart, 1990).

مطالعات یونسکو در سال ۱۹۹۸ این موضوع را تأیید می‌کند، اگرچه اختلالات عمومی بازار کار نیروی انسانی دانش‌آموختگان عمدتاً از افزایش عرضه نشئت گرفته است. لیکن در چاره‌اندیشی باید دو طرف عرضه و تقاضا را به طور همزمان در نظر گرفت. این سازمان برای حل این معضل بر راهکارهایی نظیر مشارکت کارفرمایان در توسعه برنامه درسی، در نظر گرفتن کار آموزشی صنعتی در برنامه درسی، کار نیمه وقت دانشجویان هنگام تحصیل در رشته

مربوط، انعطاف پذیر کردن دوره‌های دانشگاهی و حرفه‌ای و تدریس نیمه وقت شاغلان تأکید کرده است (UNESCO, 1998).

بلوم و نیلور رضایت شغلی را نگرش کلی کارکنان، که از طریق نظر آنها نسبت به دستمزد، وضعیت کاری، کنترل، ترفیع و ترقی مرتبط با کار، ارتباط اجتماعی در کار، شناخت استعدادها و برخی متغیرهای مشابه، خصوصیات فردی و ارتباط گروهی که جدا از زندگی کاری شکل می‌گیرد، تعریف می‌کنند (Blum and Naylor, 1986).

این واقعیت اثبات شده است که شرکت در مدیریت، داشتن قدرت تصمیم‌گیری و استقلال شغلی تأثیر مثبتی بر رضایت شغلی دارد. خود شغل و موفقیت در کار به رضایت شغلی منجر می‌شود (Plate and Stone, 1974).

پیشینه تحقیق: تحقیقات انجام شده در خصوص اشتغال فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی در ایران در رشته‌های مختلف به صورت پراکنده و در حد پایان‌نامه‌های دانشجویی است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

تحقیقات انجام شده داخلی: اخترپور (Akhtarpour, 1995) نشان داد که ۷۴/۳ درصد فارغ‌التحصیلان جذب بازار کار کتابداری و ۲۵/۷ درصد آنان جذب بازار کار غیرکتابداری شده‌اند.

ناجی و همکاران (Naji et al., 1997) در پژوهش دیگری که به مطالعه توصیفی مقطعی فارغ‌التحصیلان پرستاری مقاطع مختلف تحصیلی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۲ دانشکده پرستاری علوم پزشکی اصفهان پرداخته‌اند، نشان دادند که ۷۶ درصد فارغ‌التحصیلان به کار مشغول بوده و ۲۴ درصد بیکارند.

میرکمالی (Mirkamali, 1993) در مطالعه‌ای با جامعه آماری کل فارغ‌التحصیلان سالهای ۶۷-۱۳۶۵ و نمونه آماری ۵۹۸۰ نفر که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، به تحلیل توانمندیهای شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۸۴/۶ درصد از فارغ‌التحصیلان و ۹۱/۱ درصد از مسئولان اعتقاد دارند که در شغل‌های مناسب با رشته خود جذب شده‌اند.

تحقیقات انجام شده خارجی: مطالعه‌ای در کشور انگلستان نشان می‌دهد که در میان فارغ‌التحصیلان سال ۱۹۹۷ (ورودی ۳-۱۹۹۲) فقط ۲۰ درصد بیکار بودند. همه فارغ‌التحصیلان رشته‌های تجارت مهندسی و علوم کامپیوتر کار تمام وقت داشتند و حدود ۹۰ درصد از آنان به کار مشغول بوده‌اند. این درحالی است که رشته‌های علوم انسانی و هنر درصد کمتری را؛ یعنی حدود ۷۹ درصد را به خود اختصاص داده بودند (Horn and Zahn, 2001).

مطالعه دیگری در کشور اندونزی در باره بازار کار و آموزش عالی نشان می‌دهد که آموزش عالی ابزاری برای دستیابی به شغل‌های مناسب در جامعه تلقی می‌شود (Sandi and Notodihdjo, 1983).

در مطالعه‌ای که در شرق انگلستان انجام گرفت، میزان و نرخ اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف بررسی شد (Elliot et al., 2004).

در پژوهش دیگری که در کشور انگلستان انجام گرفته است، میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان دختر را بیشتر دانسته و علت آن را ناشی از جنبه‌های تبلیغاتی شغلی و مسئولیت پذیری بیشتر خانمها در محیط شغلی دانسته است (Brynin, 2002).

در مطالعه دیگری در ایالت کارولینای شمالی در دانشگاه داک نشان داده شد که ۷۹ درصد از فارغ‌التحصیلان شغل‌های ثابت و ۱۰/۳ درصد از آنها شغل‌های پاره وقت داشته و ۱۰/۷ درصد از آنان تا آن زمان (یک سال بعد از فارغ‌التحصیلی) بیکار بوده‌اند. از کل فارغ‌التحصیلان شاغل، ۷۱/۲ درصد از شغل خود راضی بودند و ۲۹/۸ درصد از آنان نسبت به شغل خود بی‌تفاوت بودند و اعلام کردند که شغل خود را بر خلاف میل باطنی انتخاب کرده‌اند و از بین شاغلان ۵۷/۸ درصد آموخته‌های دوران تحصیل را برای شغل کنونی خود کاملاً مفید دانسته‌اند (Carter, 2000).

روش پژوهش

در این پژوهش از روش مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای و روش آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

چهارچوب و جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری کلیه ورودیهای سالهای ۷۵-۱۳۷۴ هستند. طبق آمار سازمان سنجش تعداد این افراد تقریباً برابر ۱۶۰۰۰ نفر است. این جامعه طی ده سال دوره کارشناسی، برخی کارشناسی‌ارشد و عده‌ای دوره سربازی را گذرانده و وارد بازار کار شده‌اند.

دانشگاههای انتخابی: امروزه، در هر استانی حداقل یک دانشگاه دولتی وجود دارد. رشته‌های علوم انسانی در دانشگاههای جامع دایر است. برای آنکه وضعیت همه فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی بررسی شود، نمونه‌ها از دانشگاههای بزرگ و توسعه یافته و دانشگاههای شهرهای متوسط و دانشگاههای استانهای کم برخوردار انتخاب شدند. این دانشگاهها عبارت‌اند از: شهید بهشتی، شیراز، تبریز، شهید چمران اهواز، شهید باهنر کرمان، سمنان و سیستان و بلوچستان.

برآورد حجم نمونه: با توجه به محدود بودن جامعه آماری و کیفی بودن سؤالهای پرسشنامه، تعداد نمونه آماری با استفاده از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$n = \frac{N \cdot z_{\alpha/2}^2 \cdot p \cdot q}{e^2 (N - 1) + z_{\alpha/2}^2 \cdot p \cdot q}$$

که در آن به دلیل اینکه سؤالها بیشتر از نوع کیفی هستند، p و q به ترتیب احتمال موافق و مخالف بودن است که با قرار دادن $p = q = 0.5$ حداکثر تعداد نمونه را خواهیم داشت. همچنین، در رابطه فوق e حداکثر خطای نسبی مورد انتظار است که برابر با 0.05 ، N حجم جامعه 16000 نفر، $\alpha = 0.05$ و $z_{\alpha/2} = 1.96$ است. با توجه به مقادیر یاد شده میزان نمونه آماری برابر با 265 نفر برآورد شده است.

پرسشنامه و روایی و اعتبار آن: در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. اما تأمین اعتبار و روایی لازمه یک تحقیق خوب است، پس از اطمینان از روایی پرسشنامه و پیش از آزمون نهایی آن، با استفاده از نرم‌افزار Spss، ضریب آلفای کرونباخ و مقدار آماره α ی کرونباخ بدین صورت تعیین و محاسبه شد:

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left[1 - \sum_{i=1}^k \frac{S_i^2}{S_{sum}^2} \right]$$

که در آن S_i^2 ها معرف واریانس برای k سؤال به طور جداگانه و S_{sum}^2 واریانس تمام سؤالات است.

جداول ۱- نتایج آزمون اعتبار پرسشنامه

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
.828	.889	30

ANOVA with Friedman's Test and Tukey's Test for Nonadditivity

	Sum of Squares	df	Mean Square	Friedman's Chi-Square	Sig.
Between People	559459.3	52	10758.832		
Within People					
Between Items	4740929 ^a	29	163480.300	967.031	.000
Residual	445332.8 ^b	1	445332.840	285.706	.000
Nonadditivity					
Balance	2348974	1507	1558.709		
Total	2794307	1508	1852.989		
Total	7535236	1537	4902.561		
Total	8094695	1589	5094.207		

Grand Mean = 47.1208

a. Kendall's coefficient of concordance $W = .586$.

b. Tukey's estimate of power to which observations must be raised to achieve additivity = .230.

مأخذ: اصل پژوهش

ضریب اعتبار این پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شده است که مقدار آن با توجه به ۲۲ سؤال پرسشنامه برابر با $\text{Alpha} = 0.828$ است که نشان دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌هاست. نتایج به طور کامل در جداول ۱ آورده شده است.

در این نمونه‌گیری با توجه به عدم بازگشت تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها، دو یا سه برابر حجم نمونه مورد نظر پرسشنامه ارسال می‌شود. با ارسال پرسشنامه به تعداد سه برابر حجم نمونه، تعداد پرسشنامه‌های بازگشتی برای تجزیه و تحلیل ۳۰۴ پرسشنامه بود که با توجه به حجم نمونه برآوردی تعداد مناسبی است.

یافته‌ها

توصیف افراد نمونه و ویژگی‌های آنها: برای توصیف داده‌ها از جداول فراوانی، تجمعی، شاخصهای مرکزی و پراکندگی استفاده شده است.

جنسیت و سن: در بررسی جنسیت افراد نمونه، تعداد ۱۱۰ نفر زن (۳۶/۲ درصد) و تعداد ۱۹۴ نفر مرد هستند (۶۳/۸ درصد) که افراد نمونه را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲- بررسی افراد نمونه از نظر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	۱۱۰	۳۶.۲	۳۶.۲
مرد	۱۹۴	۶۳.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۰۴	۱۰۰.۰	

مأخذ: اصل پژوهش

حدود ۷۸ درصد از افراد نمونه بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن دارند. میانگین سنی افراد نمونه تقریباً برابر ۲۹.۵ سال است، ولی بیشترین فراوانی نمونه در گروه سنی ۲۸ سال است که به تنهایی ۲۵ درصد را تشکیل می‌دهد. همچنین، انحراف معیار نمونه برابر ۳.۳۳ و نشان دهنده این است که افراد نمونه از نظر سنی پراکندگی کمی دارند.

وضعیت تأهل: در بررسی وضعیت تأهل افراد نمونه، جدول فراوانی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- بررسی افراد نمونه از نظر وضعیت تأهل

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مجرد	۸۹	۲۹.۳	۲۹.۳
متأهل	۲۱۳	۷۰.۱	۹۹.۳
بی پاسخ	۲	۰.۷	۱۰۰.۰
جمع	۳۰۴	۱۰۰.۰	

مأخذ: اصل پژوهش

با توجه به رده سنی این فارغ التحصیلان و داده های به دست آمده در جدول ۳، ۲۹/۳ درصد آنها مجرد و ۷۰/۱ درصد متأهل اند و ۰/۷ درصد نیز داده بی پاسخ وجود دارد. محل تحصیل (دانشگاه فارغ التحصیلی): برای بررسی دانشگاه فارغ التحصیلی افراد فراوانی آنها در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- بررسی افراد نمونه از نظر محل تحصیل

نام دانشگاه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دانشگاه اصفهان	۲	۰.۷	۰.۷
دانشگاه تبریز	۵۳	۱۷.۴	۱۸.۱
دانشگاه تهران	۳	۱.۰	۱۹.۱
دانشگاه سمنان	۱۷	۵.۶	۲۴.۷
دانشگاه سیستان و بلوچستان	۵۱	۱۶.۸	۴۱.۵
دانشگاه شهید باهنر کرمان	۱۸	۵.۹	۴۷.۴
دانشگاه شهید بهشتی	۴۷	۱۵.۵	۶۲.۹
دانشگاه شهید چمران اهواز	۵۴	۱۷.۸	۸۰.۷
دانشگاه شیراز	۴۹	۱۶.۱	۹۶.۸
مجموع	۲۹۴	۹۶.۷	
بی پاسخ	۱۰	۳.۳	
کل	۳۰۴	۱۰۰.۰	

مأخذ: اصل پژوهش

البته، باید توجه داشت که ۲ نفر در دانشگاه اصفهان و ۳ نفر از دانشگاه تهران که در آمار ارائه شده آمده است، به صورت میهمان در دانشگاههای دیگر تحصیل می کردند.

برای بررسی کلی‌تر، با توجه به امکانات، دانشگاهها به سه سطح دانشگاههای دسته اول، دوم و سوم تقسیم شده‌اند. دانشگاههای بزرگ مانند تبریز، شهید بهشتی و شیراز جزو دانشگاههای سطح اول، دانشگاههای شهید باهنر کرمان و شهید چمران اهواز جزو دانشگاههای سطح دوم و دانشگاههای سیستان و بلوچستان و سمنان جزو دانشگاههای سطح سوم طبقه‌بندی می‌شوند.

جدول ۵- بررسی افراد نمونه از نظر سطح دانشگاه دوره کارشناسی

درصد تجمع	درصد	فراوانی	
۵۰.۷	۵۰.۷	۱۵۴	سطح اول
۷۴.۳	۲۳.۷	۷۲	سطح دوم
۹۶.۷	۲۲.۴	۶۸	سطح سوم
۱۰۰.۰	۳.۳	۱۰	بی‌پاسخ
	۱۰۰.۰	۳۰۴	کل

مأخذ: اصل تحقیق

با توجه به این طبقه‌بندی، جدول فراوانی آن ارائه شده است. رشته تحصیلی: فراوانی رشته تحصیلی دانش‌آموختگان مورد مطالعه در جدول ۶ آورده شده است که در آن با توجه به نزدیکی برخی رشته‌ها و رده‌بندی آنها برای تحلیلهای آماری نتایج، فراوانی برخی رشته‌ها با یکدیگر ترکیب شده‌اند.

جدول ۶- بررسی افراد نمونه از نظر رشته تحصیلی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	رشته
۲۱.۷	۲۱.۷	۶۶	اقتصاد حسابداری و مدیریت
۳۷.۲	۱۵.۵	۴۷	روانشناسی و علوم تربیتی
۵۸.۶	۲۱.۴	۶۵	ادبیات
۷۱.۷	۱۳.۲	۴۰	تاریخ و جغرافیا
۷۷.۶	۵.۹	۱۸	حقوق و علوم قضایی
۸۳.۶	۵.۹	۱۸	کتابداری
۸۹.۵	۵.۹	۱۸	علوم اجتماعی
۱۰۰.۰	۱۰.۵	۳۲	سایر
	۱۰۰.۰	۳۰۴	کل

مأخذ: اصل پژوهش

ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد: در بررسی افرادی که در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داده‌اند، درمی‌یابیم که حدود ۱۴.۸ درصد از کل افراد نمونه در این مقطع ادامه تحصیل داده‌اند.

جدول ۷- ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۸۴.۹	۸۴.۹	۲۵۸	خیر
۹۹.۷	۱۴.۸	۴۵	بلی
۱۰۰.۰	۰/۳	۱	بی‌پاسخ
	۱۰۰.۰	۱۰۴	کل

مأخذ: اصل پژوهش

فراوانی رشته‌هایی که دانش‌آموختگان در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داده‌اند، در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸- رشته تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	رشته
۱۳.۳	۱۳.۳	۶	اقتصاد، حسابداری و مدیریت
۳۱.۱	۱۷.۸	۸	روانشناسی و علوم تربیتی
۴۰.۰	۸.۹	۴	ادبیات
۵۷.۸	۱۷.۸	۸	تاریخ و جغرافیا
۷۳.۳	۱۵.۶	۷	حقوق و علوم قضایی
۷۷.۸	۴.۴	۲	کتابداری
۸۶.۷	۸.۹	۴	علوم اجتماعی
۹۵.۶	۸.۹	۴	سایر
۱۰۰.۰	۴.۴	۲	بی‌پاسخ
	۱۰۰.۰	۴۵	مجموع

مأخذ: اصل پژوهش

مشهود است که بیشترین فراوانی در رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، تاریخ، جغرافیا و حقوق وجود دارد.

اشتغال به کار و مدت زمان انتظار برای کسب اولین شغل: تقریباً ۸۱ درصد نمونه مشغول به کار بودند، ولی این درصد که میزان آن حایز اهمیت است، وقتی مفید خواهد بود که میزان علاقه و رضایت از شغل افراد نیز مد نظر قرار گیرد. خلاصه فراوانی افرادی که مشغول به کار هستند، در جدول ۹ آورده شده است.

جدول ۹ - افراد مشغول به کار

فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۵۸	۱۹.۱	۱۹.۱
۳۴۶	۸۰.۹	۱۰۰.۰
۳۰۴	۱۰۰.۰	

مأخذ: اصل پژوهش

خلاصه فراوانی زمان انتظار برای کسب اولین شغل در جدول ۱۰ آورده شده است. همان طور که مشهود است، این زمان برای حدود ۶۰ درصد افراد کمتر از ۶ ماه بوده است و تقریباً ۸۰ درصد از افراد کمتر از یک سال شغل مورد نظر خود را یافته‌اند، ولی مناسب بودن شغل آنها امر دیگری است که در جای دیگری بررسی می‌شود. باید توجه داشت بیشتر افراد که در دسته اول، بین ۰-۳ ماه، قرار گرفته‌اند، قبل از فراغت از تحصیل شاغل بوده‌اند.

جدول ۱۰- زمان انتظار برای کسب اولین شغل

فراوانی	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
۱۰۲	۴۱.۵	۴۵.۳	۴۵.۳
۲۶	۱۰.۶	۱۱.۶	۵۶.۹
۵۴	۲۲.۰	۲۴.۰	۸۰.۹
۴۳	۱۷.۵	۱۹.۱	۱۰۰.۰
۲۲۵	۹۱.۵	۱۰۰.۰	
۲۱	۸.۵		
۲۴۶	۱۰۰.۰		

مأخذ: اصل پژوهش

جدول ۱۱- آمار توصیفی و شاخصهای مرکزی و پراکندگی زمان کسب اولین شغل

Statistics		
N	Valid	254
	Missing	50
Mean		4.62
Median		3.00
Mode		0
Std. Deviation		4.798

طبق جدول ۱۱، به طور میانگین ۴/۵ ماه زمان می‌برد که یک فارغ‌التحصیل شغل مورد نظر خود را بیابد. ولی برای بیشتر آنها این زمان کمتر از ۳ ماه است که همان طور که گفته شد، شاید یک دلیل آن داشتن مشاغل در حین تحصیل برای این دانش‌آموختگان باشد. انحراف معیار مدت زمان انتظار برای کسب اولین شغل برابر تقریباً ۴/۸ ماه است.

آمار استنباطی

در این بخش با توجه به هدف اصلی این پژوهش با تجزیه و تحلیل و انجام دادن استنباطهای آماری از داده‌های جمع‌آوری شده اطلاعاتی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی برآورد می‌شود. شایان ذکر است که برای تجزیه و تحلیل هر تئوری با توجه به ماهیت آن از روشهای استنباطی متفاوتی استفاده می‌شود و در هر قسمت به این آزمونها اشاره شده و جداول مربوط به دلیل محدودیت چاپ جز چند جدول حذف شده که دراصل پژوهش قابل دسترسی است. بررسی شاغلان رشته‌های علوم انسانی: طبق آمار توصیفی ۸۰/۹ درصد از نمونه ما شاغل هستند. برای برآورد این نسبت در جامعه، از آزمون نسبت استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱۲ آورده شده است.

جدول ۱۲- بررسی فرض کوچک‌تر از ۰.۵ بودن نسبت شاغلان علوم انسانی

	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (2-tailed)	Exact Sig. (2-tailed)
Shaghel	Group 1	246	.81	.50	.000 ^a	.000 ^b
	Group 2	58	.19			
Total		304	1.00			

a. Based on Z Approximation.

b. Exact Results are provided instead of Monte Carlo for this test.

با توجه به جدول ۱۲، اگر p احتمال شاغل بودن دانش‌آموختگان باشد، فرض $p \leq 0.5$ رد می‌شود؛ یعنی نسبت شاغلان بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است و همچنین، این آزمون برای نسبت کوچک‌تر از ۰/۷۵ نیز رد می‌شود.

جدول ۱۳- بررسی فرض کوچک‌تر از ۰.۷۵ بودن نسبت شاغلان علوم انسانی

	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (1-tailed)	Exact Sig. (1-tailed)
Shaghel	Group 1	246	.81	.75	.009 ^a	.009 ^b
	Group 2	58	.19			
Total		304	1.00			

a. Based on Z Approximation.

b. Exact Results are provided instead of Monte Carlo for this test.

در حالی که طبق محاسبه آزمون $p \leq 0.8$ رد نمی‌شود. بنابراین، طبق استنباطهای انجام شده نسبت شاغلان فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی بین ۷۶ تا ۷۹ درصد است. بررسی میزان اشتغال در بین کسانی که ادامه تحصیل داده‌اند: برای بررسی میزان اشتغال میان کسانی که دوره کارشناسی‌ارشد را گذرانده‌اند، اطلاعات در جدول ۱۴ آورده شده است. طبق جدول فراوانی، درصد شاغلان میان کسانی که ادامه تحصیل نداده‌اند بیشتر است.

جدول ۱۴- میزان اشتغال در بین کسانی که ادامه تحصیل داده‌اند

Crosstabulation

			Shaghel		Total
			no	yes	
mashghool be tahsil dar dore arshad	no	Count	46	212	258
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad	17.8%	82.2%	100.0%
	yes	Count	11	34	45
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad	24.4%	75.6%	100.0%
	9	Count	1	0	1
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad	100.0%	.0%	100.0%
Total		Count	58	246	304
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad	19.1%	80.9%	100.0%

با توجه به مقدار آماره χ^2 و آزمون دقیق فیشر که در جدول مربوط (در اصل تحقیق)، فرض صفر در سطح ۰/۱ رد می‌شود و بدین معناست که تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد بر روی میزان اشتغال تأثیر دارد و این دو به یکدیگر وابسته‌اند، ولی طبق بررسی همبستگی آنها نیز این عامل به تنهایی تأثیر کمی بر روی اشتغال دارد.

بررسی جداول توافقی بین شاغلان و رشته تحصیلی کارشناسی: برای بررسی، جداول توافقی بین شاغلان و رشته تحصیلی کارشناسی آنها را تشکیل دادیم، در نتیجه، معلوم شد که بیشترین نسبت شاغلان به ترتیب متعلق به رشته حقوق و از همه کمتر رشته تاریخ و جغرافیاست.

در بررسی مقادیر آماره آزمون χ^2 و آزمون دقیق در سطح ۰/۰۵ فرض عدم همبستگی آنها رد می‌شود و بدین معناست که میزان اشتغال افراد در رشته‌های مختلف علوم انسانی کاملاً متفاوت است و به نوع رشته بستگی دارد.

جدول ۱۵- جدول توافقی بین شاغلان و رشته تحصیلی کارشناسی آنها

Crosstabulation

		Shaghel		Total
		no	yes	
Reshte karshenasi	Hesabdari o Modiriat	10 15.2%	56 84.8%	66 100.0%
	Ravanshenasi o Oloome tarbiati	4 8.5%	43 91.5%	47 100.0%
	Adabiat	14 21.5%	51 78.5%	65 100.0%
	Joghrafia o Tarikh	13 32.5%	27 67.5%	40 100.0%
	Hoghogh v oolome ghazaie	0 .0%	18 100.0%	18 100.0%
	Ketabdari	5 27.8%	13 72.2%	18 100.0%
	Olome ejtemaie	2 11.1%	16 88.9%	18 100.0%
	Other	10 31.3%	22 68.8%	32 100.0%
Total		58 19.1%	246 80.9%	304 100.0%

بنابراین، میزان جذب بازار کار شدن در برخی رشته‌های علوم انسانی کمتر و در برخی بیشتر است. در بررسی نسبت شاغلان به افراد بیکار در هر رشته، ابتدا رشته حقوق و علوم قضایی و سپس، رشته روانشناسی و علوم تربیتی و پس از آن رشته علوم اجتماعی و حسابداری و مدیریت و در انتها رشته کتابداری و رشته تاریخ و جغرافیا وجود دارد. ثابت می‌شود که میزان اشتغال در رشته‌های مختلف در دانشگاه‌های سطح اول و دوم به‌طور معنادارتری متفاوت است و در دانشگاه‌های سطح سوم این تفاوت معنادار نیست؛ یعنی میزان اشتغال در دانشگاه‌های سطح سوم از نوع رشته مستقل است و در رشته‌های مختلف، متفاوت نیست.

بررسی ارتباط بین شغل و تحصیلات با نوع رشته: این بررسی در رشته‌های متفاوت نیز بدین صورت است که در تمام رشته‌ها فراوانی میزان ارتباط، بالای ۵۰ درصد بوده و این ارتباط در رشته حقوق و علوم قضایی بیشترین مقدار را داشته است و پس از آن افرادی که در

رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و علوم اجتماعی تحصیل کرده‌اند، ارتباط بیشتری را بین شغل و تحصیلات خود می‌بینند و در انتها رشته‌های حسابداری و مدیریت و کتابداری قرار دارند که تحصیل‌کردگان آن کمتر از سایر رشته‌ها بین تحصیلات و شغل خود ارتباط قایل هستند. با توجه به آزمون کای دو در سطح $0/05$ فرض عدم همبستگی آنها رد نمی‌شود و بدین معناست که میزان هماهنگی شغل افراد با تحصیلات آنها مستقل از نوع رشته است.

بررسی ارتباط بین شغل با ادامه تحصیل: این بررسی میان افرادی که در مقطع کارشناسی‌ارشد ادامه تحصیل داده‌اند، به صورت جدول ۱۶ است.

جدول ۱۶- ارتباط بین شغل و تحصیلات با ادامه تحصیل

Crosstabulation

		mizane eretebate shoghl ba tahsilat		Total
		High 50-100%	Low 0-50%	
mashghool be tahsil dar dore arshad	no	Count 163	63	226
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad 72.1%	27.9%	100.0%
	yes	Count 30	5	35
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad 85.7%	14.3%	100.0%
Total		Count 193	68	261
		% within mashghool be tahsil dar dore arshad 73.9%	26.1%	100.0%

از جدول ۱۶ مشخص می‌شود افرادی که در مقطع کارشناسی‌ارشد ادامه تحصیل داده‌اند، بیشترین هماهنگی را بین شغل و تحصیلات خود می‌بینند. این امر گویای این مطلب است که افراد با تحصیلات بالاتر در مشاغلی مرتبط تر با تحصیلات خود قرار می‌گیرند. با توجه به این جدول واضح است که در سطح $0/1$ فرض عدم همبستگی آنها آزمون کای دو رد می‌شود و بدین معناست که میزان هماهنگی شغل افراد با تحصیلات آنها به سطح تحصیلات آنها وابسته است. در نتیجه، فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی در صورت ادامه تحصیل شغلی مرتبط‌تر با رشته تحصیلی خود پیدا می‌کنند.

بررسی میزان رضایت شغلی: برای بررسی این فرضیه میزان رضایت شغلی افراد پرسیده شده است. طبق فراوانیهای ارائه شده، بیش از ۶۵ درصد افراد رضایت شغلی زیاد و بسیار زیاد (بالتر از ۵۰ درصد) دارند و فقط ۱۴ درصد از دانش‌آموختگان رضایت کمی (کمتر از ۲۵ درصد) از شغل خود دارند.

جدول ۱۷- میزان رضایت شغلی

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent	
Valid	Low_0-25%	37	12.2	14.5	14.5
	Middle_25-50%	52	17.1	20.3	34.8
	high_50-75%	44	14.5	17.2	52.0
	So high_75-100%	123	40.5	48.0	100.0
	Total	256	84.2	100.0	
Missing	48	15.8			
Total	304	100.0			

حال می‌توان با تقسیم‌بندی افراد به دو گروه، آزمون بر روی نسبت افرادی که رضایت شغلی بالایی دارند، انجام داد. با توجه به آزمون دو جمله‌ای، اگر p نسبت افرادی باشد که بیشتر از ۵۰ درصد از شغل خود رضایت دارند، فرض $p \geq 0.75$ رد می‌شود؛ یعنی نسبت این افراد کمتر از ۰/۷۵ است و اگر $p \geq 0.68$ فرض شود، رد نمی‌شود و بدین معناست که تعداد افرادی که رضایت شغلی بالایی دارند، بیشتر از ۶۸ درصد است. نسبت افرادی که رضایت شغلی بالایی دارند بین ۶۸ تا ۷۵ درصد است. بنابراین، تقریباً حدود ۷۱/۵ درصد شاغلان رضایت شغلی بالایی دارند. بررسی بیشتر این نسبت، بین افراد متأهل و مجرد، افرادی که به شغل خود علاقه زیادی دارند، رشته‌های مختلف و همچنین، میان افرادی که در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده‌اند، در اصل تحقیق ارائه شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. با توجه به آمار توصیفی، ۸۰/۹ درصد از نمونه به دست آمده به کار مشغول و آزمون آماری درصد شاغلان در جامعه را بین ۷۶ تا ۷۹ درصد برآورد می‌کند؛ یعنی به طور میانگین ۷۷/۵ درصد از فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی مشغول به کارند. طبق بررسیها معلوم شده است که درصد بسیار زیادی کمتر از یک سال به کار مشغول می‌شوند. همچنین، اشتغال در رشته‌های مختلف نیز به طور معناداری متفاوت است و طبق استنباطهای انجام شده، نسبت شاغلان در رشته حقوق و علوم قضایی بیشترین مقدار (۱۰۰ درصد) است و در رشته تاریخ و جغرافیا به حداقل مقدار (۶۷ درصد) می‌رسد. افرادی که در رشته‌هایی مانند حسابداری، مدیریت، ادبیات، تاریخ و جغرافیا به تحصیل مشغول هستند، به نسبت بیشتر از افرادی است که در سایر رشته‌ها به کار مشغول بوده‌اند. فارغ‌التحصیلان برخی از رشته‌های علوم انسانی کمتر جذب بازار کار می‌شوند؛ یعنی فرضیه اول ثابت می‌شود.

بررسی تفاوت میزان اشتغال به تفکیک رشته‌های مختلف در دانشگاه‌های متفاوت بدین صورت است که در دانشگاه‌های سطح اول و دوم این تفاوت معنادارست، در حالی که در دانشگاه‌های سطح سوم معنادار نیست. در نتیجه، می‌توان استنباط کرد که در دانشگاه‌های سطح سوم فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف به یک میزان جذب بازار کار می‌شوند.

۲. طبق آمار توصیفی ۷۰ درصد افراد ارتباط بالای ۵۰ درصد بین شغل و تحصیلات خود را ذکر کرده‌اند و ۶۷ درصد از آنها شغل خود را کاملاً مرتبط با تحصیلات خود می‌دانند. با توجه به آزمونهای آماری، درصد افرادی از جامعه فارغ‌التحصیلان که ارتباط پایینی بین شغل و تحصیلات خود می‌بینند، بین ۲۹ تا ۳۰ درصد است. در نتیجه، بیش از ۷۰ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی در مشاغلی مرتبط با تحصیلات خود به کار مشغول هستند. نوع دانشگاه محل تحصیل ربطی به تغییر در این میزان ارتباط ندارد. این میزان در رشته‌های مختلف متفاوت است، ولی معناداری بالایی ندارد و در بررسی این ارتباط در رشته‌های مختلف، میان فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و علوم قضایی بیشترین ارتباط وجود دارد و رشته‌های دیگر به ترتیب روانشناسی و علوم تربیتی، علوم اجتماعی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا، مدیریت و حسابداری و در انتها رشته کتابداری است. افرادی که در مقطع

کارشناسی ارشد ادامه تحصیل می‌دهند، در مشاغلی مرتبط تر با تحصیلات خود به کار مشغول می‌شوند. لذا، فرضیه دوم رد می‌شود.

۳. با توجه به بررسیهای توصیفی رضایت شغلی، فقط ۱۳ درصد از دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی رضایت شغلی کمتر از ۲۵ درصد دارند. با توجه به آزمون آماری، درصد افرادی که رضایت شغلی بالایی دارند بین ۶۸ تا ۷۵ درصد است. بنابراین، به طور میانگین ۷۱/۵ درصد از افراد شاغل فارغ‌التحصیلان علوم انسانی رضایت بالایی از شغل خود دارند. بیشترین افرادی که رضایت کمی از شغل خود داشته‌اند، فارغ‌التحصیلانی بوده‌اند که زود (کمتر از ۳ ماه) یا دیر (بیشتر از یک سال) به کار مشغول شده‌اند. همچنین، میزان اشتغال به سطح تحصیلات وابسته است. همچنین، شهر محل سکونت افراد هیچ تأثیری بر این میزان رضایت ندارد. همچنین، میزان رضایت شغلی مستقل از جنسیت است. رضایت دانش‌آموختگان شاغل از شغل خود در رشته‌های مختلف متفاوت است، لذا، فرضیه دوم تأیید می‌شود.

۴. بر اساس اصل پژوهش، رضایت شغلی به طور معناداری به رشته تحصیلی وابسته است و در بررسی رضایت شغلی در رشته‌های مختلف، افرادی که در رشته کتابداری به کار مشغول هستند، بالاترین درصد رضایت را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن به ترتیب رشته‌های حقوق و علوم قضایی، علوم اجتماعی، مدیریت و حسابداری، ادبیات، روانشناسی و علوم تربیتی و در انتها رشته تاریخ و جغرافیا قرار دارند.

پیشنهادهای زیر توصیه می‌شود:

۱. نتایج این پژوهش به اطلاع داوطلبان آزمون سراسری و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی برسد تا از آینده شغلی خود آگاه شوند.

۲. شورای گسترش آموزش عالی و دانشگاهها در گسترش رشته‌ها و شورای عالی برنامه‌ریزی در بازنگری دروس از نتایج این پژوهش می‌توانند استفاده کنند.

۳. این پژوهش برای هر رشته تحصیلی جداگانه انجام شود.

۴. هر دانشگاه می‌تواند مشابه این پژوهش را برای دانشکده‌های مختلف خود انجام دهد. این تحقیق برای دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور ضروری است.

قدردانی

این مقاله از یک طرح پژوهشی به نام «مطالعه پیگیرانه، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی دوره‌های روزانه، در رشته‌های علوم انسانی» که توسط نگارنده اجرا شده، استخراج گردیده است. از همکاران، دانشگاه شهید بهشتی در حوزه معاونت پژوهشی، سازمان سنجش حوزه فنی آماری، دانشگاه‌های شهید بهشتی، شیراز، تبریز، شهید چمران اهواز، شهید باهنر کرمان، سمنان و سیستان و بلوچستان که در اجرای این پژوهش همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

References

1. Akhtarpour, M. (1995); Investigating the Employment Status of Librarianship and Information Technology Postgraduates from Governmental Universities of Tehran During the Years 1982-1993; Postgraduate Thesis in Shahid Beheshti University of Medical Sciences (in Persian).
2. Azadbakht, R. (1993); Population, Employment and Income Distribution (in Iran), Postgraduate Thesis in Tarbiat Modarres University of Tehran (in Persian).
3. Blum, M. and J. Naylor (1986); *Industrial Psychology: Its Theoretical and Social Foundation*, Harper and Row; New York, NY.
4. Brynin, M. (2002); "Graduate Density, Gender, and Employment"; *British Journal of Sociology*, Vol. 53, No. 3, pp. 363-87.
5. Carter, R. (2000); "Monitoring Employment Trends: It's a Programs Responsibility"; *Perspective on Physician Assistant Education*, Vol. 11, No. 2, Spring, pp. 95-96.
6. Elliot, J., S. Long, B. Walker and D. Bridges (2004); *The Dynamics of the Graduate Labour Market in the East of England*; University of East Anjlia EEDA.
7. Hart, P. E. (1990); "Types of Structural Unemployment in the United Kingdom"; *International Labour Review*, Vol. 129, No. 2.

8. Higher Education, Institute for Research and Planning Higher Education, 2007 (in Persian).
9. Horn, L. J. and L. Zahn (2001); "From Bachelor's Degree to Work: Major Field of Study and Employment Outcomes of 1992 - 93 Bachelor's Degree Recipients: Who did not Enroll In Graduate by 1997" (NCES 2001-105).
10. Imam Khomeini (2007); *Translation of Tahrir-o-Alvasileh, Economical Issues* (in Persian).
11. Institute for Research and Planning in Higher Education (2002); Study the Necessity of Specialist Human Resources and Human Resources Development Policy of the Country, Integration Report, No. 7 (in Persian).
12. Karaji, S. (1999), Investigating the Structure of Employment and Evaluating the Effect of Alternative Labor force in the Economy of Iran, Postgraduate Thesis in Shiraz University, Department of Higher Education (in Persian).
13. Mirkamali, S. M. (1993); "Analysis of Job Abilities in University Graduates"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 1, No. 4, pp. 13-38 (in Persian).
14. Naji, H. et al. (1997); "Investigating the Employment Status and its Causes among Nursing Graduates of Isfahan University of Health and Medical Sciences"; *Journal of Isfahan University of Medical Sciences and Health Services*, No. 2, pp. 82-88 (in Persian).
15. National Report of Higher Education in Iran (2001), Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
16. Plate, K. H. and E.W. Stone (1974); "Factors Affecting Librarians' Job Satisfaction: A Report of Two Studies"; *Library Quarterly*, Vol. 44, pp. 97-110.
17. Ronagh, Y. (2001); *Study of Jobs and Work Standards*; Education Center of Governmental Management Publications.

18. Sandi, B. C. and H. Notodihdjo (1983); *Higher Education and the Labor Market in the Java Region*; Indonesia, Paris: NESCO.
19. Shafy Abadi, A. (2000); *Occupational and Educational Consultance*; TehranL Samt Publications, Second Edition (in Persian).
20. Soleimani, B. et al. (1998) Investigating the Employment and Education Status of Graduates from Health Faculty of Isfahan University during the Years 1989-1994 (in Persian).
21. Super, D. E. (1990); *Life – Space Approach to Career Development*; Ind Brown, 1-Brooks & Assoc.
22. UNESCO (1998); *Higher Education in the Twenty Century Vision and Action: The Requirements of the World*; Paris, UNESCO.